

ایران‌شناسی در غرب

حیب برجیان

*Ancient Civilizations from Scythia
to Siberia: An International Journal of
Comparative Studies in History and
Archeology*

تمدنهای باستانی از سکاکیه تا سیریه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مجله ای تازه در تاریخ اقوام ایرانی زبان شمالی

تمدنهای باستانی از سکاکیه تا سیریه عنوان مجله ای است که در سال ۱۹۹۴ انتشار آن آغاز گردیده و تا کنون هر سال سه شماره از آن چاپ شده است. این نشریه تحقیقی در زیر نظارت «مرکز مطالعات تطبیقی تمدنهای باستانی آکادمی علوم روسیه» و از طرف انتشارات معروف بریل در لایدن هلند نشر می شود. از ویژگیهای بارز آن یکی نفاست طبع آن است و دیگر چاپ آن به زبان انگلیسی که در چنین موضوعی بی سابقه است. چنان که از عنوان مجله بر می آید، پهنه جغرافیایی مباحث آن اراضی وسیعی از خاک اتحاد جماهیر شوروی سابق را در بر می گیرد و علاوه بر دشت‌های پهناور اروپای شرقی و روسیه جنوبی، آسیای مرکزی و قفقاز را نیز شامل است. هدف مجله، چنان که در دیباچه نخستین شماره آن آمده، عرضه تازه ها در باب باستان شناسی و تاریخ فرهنگ و تمدنهای

باستانی منطقه یاد شده است. تحقیقات پنج تا ده ساله اخیر نیز که تاکنون به شایستگی مجال ظهور نیافته، اکنون به تدریج در اختیار عموم علاقه مندان قرار می گیرد. این مطالعات شامل کاوشهای پیشین باستان شناسان شوروی در سوریه و یمن جنوبی نیز خواهد بود. این مجله به رغم تعیین چنین قلمسروی، عموم تمدنهای باستانی اروپا و خاورمیانه را نیز از حیطة توجه خود خارج نمی داند. مقاله های مجله را به دو گروه اخبار باستان شناسی و مقالات تحلیلی می توان تقسیم کرد. به علاوه در هر شماره آن فهرست تفصیلی کتابهای تازه نیز چاپ می شود.

در حالی که هیأت تحریریه مجله را عمده پژوهندگان روسیه تشکیل می دهند (پنج تن از مسکو، یک تن از پترزبورگ؛ یک تن از اکستر)، هیأت مشاوران از طیف متنوعتری هستند: روسیه (پنج تن)، آکسفورد (دو تن)، کیف، تفلیس، تاشکند، آتن، برلین، رم، پاریس، پرینستون، کمبریج بوستن (هر کدام یک تن). تحقیقات باستان شناختی سرزمینهای شوروی که از سال ۱۹۱۷ در انحصار پژوهشگران این کشور درآمده بود، از دهه ۱۹۸۰ برای محققان اروپایی و امریکایی نیز امکان پذیر شد و پس از الغای نظام شورایی، علی رغم رکود اقتصاد روسیه، به مرحله تازه ای از ترقی گام نهاده و چند قرارداد همکاری، با بنیادهای علمی کشورهای فرانسه و ایتالیا و ژاپون و انگلستان امضاء شده است.

در شماره های آغازین مجله بیشتر مقالات جنبه عمومی دارند که خلاصه مطالعات انجام شده در موضع یا موضوعی خاص را یکجا عرضه می کنند. مثلاً مقالات «بررسیهای باستان شناختی در آذربایجان شوروی در سالهای ۹۰-۱۹۸۶» (تالیف علی یف و گشگاری)، «مطالعات باستان شناختی در ترکمنستان» (Bader و Koshelenko)، «کشفیات اخیر در زمینه باستان شناسی کلاسیک در گرجستان» (Lordkipanidze)، «حفریات باستان شناختی آثار قدیم در ارمنستان: ۹۰-۱۹۸۵» (زرداریان و آکویسان)، «تاجیکستان باستان: مطالعه تاریخ و باستان شناسی و فرهنگ در طی ۹۱-۱۹۸۰» (Litvinsky) همه در شماره های سال اول بدین شیوه نوشته شده است. مقاله «مروری بر اسناد پارتی و فارسی میانه از ترکمنستان جنوبی [= نسا و مرو]» (Livshits و Nikitin؛ سال ۱ / ش ۳) کلیه آثار کتبی را که پس از طبع مجلدات مربوطه مجموعه کتبه های ایرانی (*Corpus Inscriptionum Iranicarum*) یافت شده (چه اسناد طبع شده و چه طبع نشده)، تلخیص و عرضه می دارد و در حقیقت تکمله ای است بر مجموعه مذکور. معرفی مجموعه های محفوظ در موزه ها نیز در دستور کار مجله است. در مقاله «مسکوکات ساسانی در مجموعه موزه هنرهای زیبای مسکو» (نیکیتین؛ ۳ / ۱) ۲۹۵ سکه همراه با تصویر و حرف نگاری مندرجات آنها با ترتیب زمانی

فهرست شده است.

چند مقاله در معرفی و تحلیل آثاری است که در طی حفاریهای «هیأت باستان شناختی جنوب تاجیکستان» در دو دهه اخیر پیدا شده و جز اندکی از پنج هزار شیء مکشوفه که در موزه انستوی تاریخ شهر دوشنبه نگاهداری می شود، بقیه فرصت انتشار نیافته است. کانون این کاوشها «معبد جیحون» مشهور به «تخت سنگین» است واقع در ملتقای دورود کافرتهان و پنج (جیحون علیا) و در نزدیکی «خزانة جیحون» که در قرن پیش تصادفاً کشف شد و آثار آن به موزه های اروپا انتقال یافت. مقاله «الواح زرین از معبد جیحون (بلخ شمالی)» (لیت وینسکی و پیچیکیان؛ ۲/۲، ص ۱۹۶-۲۲۰) به مطالعه جامع لوحی می پردازد با تصویر مردی که افسار شتری ظاهراً یک کوهانه را در دست دارد. این تصویر از یک سو با حجاریهای مشابه در تخت جمشید که در آنها سفیران ایالات شمال شرقی هر یک شتری دو کوهانه را به دربار هخامنشی پیشکش می کنند، و از سوی دیگر با آینههای مزدیسنی هدیه و فدیة ایران باستان سنجیده می شود و از مطالعات ریچارد بولیت در کتاب شتر و گردونه نیز بهره می گیرد تا برای حضور نامتعارف شتر یک کوهانه در بلخ ۲۵ قرن پیش راه حلی بیابد. همین دو مؤلف در مقاله «ساغری از تخت سنگین» (۳/۱) نقش شیر ساغر را هم از نظر صنعتگری و هم اسطوره شناسی موشکافی می کنند. مقاله دیگر همین شماره درباره بلخ باستان «شهر ب ساسانی بلخ» (نیکیتین) به بازسازی تصویر و نوشته مهری می پردازد که هشت اثر ناقص از آن برجای مانده و نام و سمت شهربان (ساتراپ) ساسانی «مهرمه» به زبانهای فارسی میانه (م ت ر ی م س ی . ب ح ل ی . ش ت ر پ) و بلخی (به خط یونانی) بر آن محکوک بوده است. این مهر که از یافته های هیأت شوروی-افغان در کاوشهای تپه ای در نزدیکی بلخ ویران است در روشن کردن گوشه ای از تاریخ پرا بهام مشرق ایران کم ارزش نیست.

آنچه از مقالات ذکر شد همه درباره سرزمینهایی است که نه تنها اقوام ایرانی زبان - چون سفدی و خوارزمی و بلخی و پارتی - در آنها مسکن داشتند، بلکه در روزگار باستانی جزئی از حوزه فرهنگی و اداری یا دست کم از نفوذ و سرحدات ایران زمین بودند. اما این همه تنها در حاشیة جغرافیای مجله مورد بحث ما قرار می گیرد. بیشتر مقالات درباره گذشته «سکائیه تا سیبری» است که عنوان مجله دعوی شناسایی تاریخی آن را دارد؛ درباره پشته هایی است که در سراسر مرغزارهای اروپای شرقی از دانونب تا جبال آلتائی پراکنده است و در زیر هر یک در ژرفای زمین سالاری سکایی با سازو برگ و اسب و سیم و زرش خفته است. تاریخ این سرزمین سرد اساساً بررسی و طبقه بندی اشیائی است که از شکافتن

این گورهای باستانی به دست می آید. این اشیاء که غالباً با هنر زیبای جانورنمای سکایی آراسته است و زینت بخش موزه های اروپای شرقی ست، حکایت از مردمی چابک سوار و سلحشور دارد که بیش از هزار سال (سده هشتم قبل از میلاد تا سده چهارم میلادی) دشتهای اوراسیا را عرصه مهاجرت های دائمی خود قرار می دادند و در هر فرصتی بر سرزمینهای گرم و ثروتمند جنوب می تاختند.

سکاها را به دو گروه غربی (Scythians) و شرقی (Saka) تقسیم می کنند. گروهی از سکاها در حیطه تمدن نیمه یونانی پنطس با سایر اقوام پیرامون دریای سیاه انباز و شریک شدند و از آنها علاوه بر معلومات باستان شناختی اخبار فراوانی در مصادر یونانی ثبت است؛ از جمله هرودوت که ثلث تاریخش درباره سکاها و وطن ایشان سکائیه است. سرگذشت این قوم ایرانی زبان البته خارج از قلمرو فرهنگ و تمدن ایران و بنابراین بیرون از دایره کنجکاوی عموم محققان ایرانی ست. اما ملل اسلاو سرزمینهای خود را همراه با نامهای جغرافیایی و گنجینه های زیرخاکی از سکاها (و همزیبانان آنها سَرمتها و آلانها) میراث دارند. هجوم تاریخ ساز اقوام آسیایی از شرق و گوتها از غرب در سده های نخستین میلادی به استیلای درازمدت اقوام ایرانی شمالی بر اروپای شرقی پایان داد و حصه ایشان را به جلگه ها و کوهپایه های شمالی جبال قفقاز محدود کرد.

اما آنچه از طوایف سکایی مشرق بحر خزر می دانیم، اطلاعات جسته گریخته در منابع جنوبی و ناشی از تماسی ست که با تمدنهای چینی و بودایی و ایرانی داشتند. این دسته از سکاها به تدریج مغلوب اقوام ترکی شدند که از اقصای سبیری فوج فوج به آسیای مرکزی روی آورده این خطه را به تملک دائمی خود درآوردند. مرده ریگ سکاها شرقی نیز چند قرن ست که موضوع کند و کاو باستان شناسان است و معدنی ست که موزه های روسیه و قزاقستان تا مدت ها همچنان از آن تغذیه خواهد شد. با سرمایه گذاری ژاپون در کاوش گورهای بازبریک (۳/۱، ص ۳۰۷ و بعد)، دور نیست که در آینده نزدیک بخشی از گنجینه هنر سکایی در موزه های ژاپن نیز به نمایش گذاشته شود.